

# آموزش هنر در مدرسه با تأکید بر برنامه هیچ کودک عقب نماند Art Education in Schools based on the No Child Left Behind Plan

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۶/۱۴

تاریخ پذیرش و انتشار: ۱۳۹۷/۱۰/۲۴

## مرجان کیان<sup>۱</sup>

امروزه تعلیم و تربیت جهانی تحت دگرگونی و انقلابی گسترده قرار دارد و در این میان لازم است هنرها در مرکز ساختارهای جدید تعلیم و تربیت واقع شوند (زاینسون<sup>۲</sup>، ۲۰۰۰). جایگاه و منزلت برنامه درسی هنر، مرهون نقشی است که هنر در تحقق برخی اهداف اساسی تعلیم و تربیت ایفا می کند. بصیرت ها و کیفیت هایی که در سایه توجه به آموزش هنر، به بهترین و موثرترین شکل پرورش می یابند، نقش کلیدی هنر در نظام آموزشی را تصدیق می کنند. آنچه که هنر آموزش می دهد تحت تأثیر دو مقوله قرار دارد یکی آنچه تدریس می شود و دوم چگونگی تدریس. بنابراین هنر مانند سایر رشته ها، می تواند در شیوه های مختلف برای اهداف گوناگونی آموزش داده شود. اهداف هر رشته توسط سیاست گذاران و معلمانی تعیین می شود که درباره آنچه برای تدریس مهم است تصمیم گیری می کنند. چاپمن<sup>۳</sup> (۱۹۷۱) معتقد است تربیت هنری به جای تأکید بر جنبه های کاربردی باید درصدد برقراری ارتباط میان پدیده ها و رویدادها از طریق شکل و فرم باشد. با توجه به مقتضیات زندگی امروزی، آموزش و پرورش موظف است حواس و حساسیت های افراد را پیروراند. دانش آموزان باید بیاموزند که چگونه ببینند، بشنوند، با یکدیگر تعامل داشته باشند و به سوی پیشرفت حرکت کنند. آنها باید درک کنند که چگونه محیط اطراف می تواند به احساس و عمل آنها شکل دهد (کیان و مهرمحمدی، ۱۳۹۲).

دانش آموزان می توانند از هنر برای بیان هنرمندانه خویش استفاده کنند. آنها می توانند درباره تصاویر و ویژگی های شان تفکر کنند. آموزش هنر، توانایی دانش آموزان را برای نگرستن جهان به صورتی زیبایی شناسانه و توصیف آن به شیوه های ظریف هنری، توسعه می دهد. در حقیقت آموزش هنر به عنوان یکی از کارکردهای اساسی نظام آموزشی، ناظر بر رشد قابلیت های خلاقانه، ادراک حسی و عمیق نسبت به پدیده های هنری، پرورش حواس مختلف، آفرینش پدیده های هنری، شناخت و ارزش گذاری نقادانه اشکال نمادین بصری، کسب مهارت های مربوط به تجلی و ابراز هنرمندانه، شناخت و فهم تاریخی و فرهنگی و رشد حساسیت نسبت به ویژگی های زیبایی شناسی است. (آیزنر، ۲۰۰۲).

kian @ khu .ac.ir

۱. استادیار گروه مطالعات برنامه درسی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

۲. Robinson

۳. Chapman

در کنفرانس جهانی آموزش هنر (۲۰۰۶)، نقشه راه آموزش هنر با هدف تعیین نقش آموزش هنر در آگاهی خلاقانه و فرهنگی در قرن بیست و یکم بنیان نهاده شد. تأکید اساسی آن هم بر استراتژی‌هایی مورد نیاز جهت معرفی و ارتقاء آموزش هنر در محیط‌های یادگیری بود. در این کنفرانس اهداف تربیت هنری در چهار محور مورد توجه قرار گرفته است:

• **برپاداشتن حقوق بشر نسبت به تعلیم و تربیت و مشارکت فرهنگی<sup>۱</sup>:** معاهدات بین‌المللی با هدف حفظ حقوق هر کودک و بزرگسال در عرصه‌ی تعلیم و تربیت پیش می‌روند و تلاش می‌کنند فرصت‌هایی را فراهم کنند تا رشد همه‌جانبه و هماهنگ در عرصه زندگی فرهنگی و زیبایی‌شناختی برای افراد فراهم شود.

• **پرورش توانایی‌های فردی<sup>۲</sup>:** تمام افراد بشر، دارای قابلیت‌های خلاقانه هستند. هنرها محیط و زمینه عملی را فراهم می‌کند که در آن یادگیرنده، در تجارب، فعالیت‌ها و رشد خلاق، فعالانه مشارکت می‌کند.

• **بهبود کیفیت تعلیم و تربیت<sup>۳</sup>:** بر اساس برنامه «آموزش برای همه»<sup>۴</sup>، اگرچه تعداد کودکانی که به تعلیم و تربیت دسترسی دارند رو به افزایش است اما کیفیت آن در اکثر کشورهای جهان در سطح پایین باقی مانده است. تدارک آموزش برای همه یک ضرورت است و مسئله مهم آن است که دانش‌آموزان به تعلیم و تربیت با کیفیت مطلوب دست یابند.

• **ترویج بیان تنوع فرهنگی<sup>۵</sup>:** هنرها هم بازتاب فرهنگ هستند و هم وسیله‌ی ارتباط دانش فرهنگی. هر فرهنگی دارای اشکال هنری منحصر به فرد و فعالیت‌های فرهنگی است. تنوع فرهنگ‌ها و محصولات خلاقانه و هنری آنها، شکل‌های معاصر و سنتی خلاقیت بشری است که به طور منحصر به فردی به اصالت، میراث، زیبایی و وحدت تمدن‌های بشری اشاره دارد.

با بررسی عملکردها و تجارب نظام‌های آموزشی کشورهای مختلف جهان در قلمرو تعلیم و تربیت به ویژه تربیت هنری، می‌توان به جایگاه تربیت هنری در نظام‌های مختلف واقف شد و از این راه، دلالت‌ها و رهنمودهایی را به منظور تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های درسی تربیت هنری در اختیار گرفت. برنامه درسی هنر در کشورهای مختلف جهان دارای اهدافی است. به عنوان مثال در انگلستان اهداف برنامه درسی هنر شامل شناخت عمیق شکل‌های متنوع هنری، کسب مهارت‌های هنری، دانش و درک، افزایش فهم فرهنگی، سهیم شدن در تجارب هنری است. در کانادا از دانش‌آموزان انتظار می‌رود که «به منحصر به فرد بودن و خلاق بودن خود و دیگران احترام بگذارند» و «توانایی نزدیک شدن به دیگران همراه با گشادگی و انعطاف‌پذیری» یک اصل در برنامه درسی هنر است.

در استرالیا دانش‌آموزان با «ویژگی مشارکتی بعضی از تمرین‌های هنری آشنا می‌شوند و ارتباط آنها را با مسائل اجتماعی و عدالت اقتصادی کشف می‌کنند». به گونه‌ای که یادگیری هنرها باید با اهداف یادگیری جامع موجود در «معیارهای یادگیرندگان مادام‌العمر» هماهنگ باشد. همچنین درک این که یادگیری هنر به زندگی فردی و شغلی قابل انتقال است، مورد توجه برنامه درسی این کشور است.

در برنامه درسی ایتالیا رویکردی غیر معمول برای تربیت هنری وجود دارد، به طوری که انتظارات برنامه درسی بیانگر تأکید بر رشد روانشناختی در توانایی تفکر و تولید هنری دانش‌آموزان است. تا پایان سال اول دوره ابتدایی در درس هنر، از دانش‌آموزان ایتالیایی انتظار می‌رود که رنگ‌ها را به شیوه‌ای خلاق بکار ببرند، از رنگ‌ها برای متمایز کردن و شناسایی اشیاء استفاده کنند، ابعاد

1 . Uphold the Human Right to Education and Cultural Participation

2 . Develop Individual Capabilities

3 . Improve the Quality of Education

4 . The Education for All (EFA)

5 . Promote the Expression of Cultural Diversity

فضایی (نظیر نزدیک، بالا، زیر، راست، چپ، داخل، خارج)، و ابعاد عمودی و افقی شکل های فضایی را در واقعیت و اجرا تشخیص دهند (تاگارت<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۴).

یکی از دستاوردهای بین المللی در زمینه تربیت هنری «برنامه هیچ کودکي عقب نماند در سياست آموزش هنر»<sup>۲</sup> در ايالات متحده امريکا است. از آنجا که اين برنامه یکی از مهمترين سياست های ايالات متحده امريکا در زمينه بازننگري آموزش هنر بوده و مباحث مهمی را در کنگره امريکا برانگيخته و در نهايت تبديل به قانون شده است؛ در اين مقاله محتوای برنامه با جزئیات دقيق مورد توجه قرار خواهد گرفت.

برنامه NCLB، ماهيت نسخه ی جديد برنامه جنبش آموزش ابتدایی و متوسطه<sup>۳</sup> (ESEA) در سال ۱۹۶۵ است که در سپتامبر ۲۰۰۷ به پايان رسيد (گری، ۲۰۱۰، ۴). اين برنامه در هشت ژانويه ۲۰۰۲ تبديل به قانون شد و به اعتقاد بسياری از افراد البته نه همه، یکی از مهمترين سياست های آموزشی حکومت فدرال بود. گرچه مباحث طولانی، سال ها در کنگره بر سر اين قانون تداوم يافت، اما می توان در نتيجه اين سياست برخی کاربردهای مثبت در عرصه آموزش هنر و متأسفانه برخی پیامدهای ناخواسته در اين عرصه را مشاهده کرد.

### پیامدهای مثبت NCLB بر آموزش هنر

مهمترين پیامد مثبت اين برنامه برای آموزش هنر طبقه بندی آن از هنر به عنوان «موضوع درسی اصلی» در کنار زبان های خارجی، شهروندی و حکومت، اقتصاد، تاريخ و جغرافيا، انگلیسی و مهارت های زبان، رياضيات و علوم است.

در حقيقت NCLB اولين قانون ملی تعيين هنر به مثابه یکی از پنج حوزه يادگیری اصلی قلمداد می شود. توجه به هنر به عنوان هدف موضوعی برای دانش آموزان و رسيدن به قابليت های آن تأثیر چشمگیری بر آموزش هنر در مدارس دولتی دارد. بنابراین توجه به هنر به عنوان يک ماده اصلی از نقاط قوت اين برنامه است. در نتيجه اين توجه، آموزش هنر به طور روزافزون مورد توجه قرار گرفته و باعث شده سازمان های هنری، دانش آموزان را از برنامه های درسی هنرگريز، نجات دهند. تقريباً هر سازمان هنری مانند موزه ها، ارکسترهای سمفونی و گروه های حرکات موزون و آموزشگاه های تئاتر، برنامه های آموزشی هنر را برای کودکان و بزرگسالان افزايش داده و سخنرانی های مسئولان برجسته در زمينه اهميت آموزش هنر از طريق پيشرفت برنامه ی NCLB افزايش پيدا کرده است.

### پیامدهای منفی ناخواسته NCLB بر آموزش هنر

یکی از پیامدهای منفی ناخواسته ی برنامه اين است که تلفيق هنر بدون آمادگی های لازم صورت بگيرد و هنر کم کم به فراموشی سپرده شود. حتی هنر به عنوان فعاليت فوق برنامه<sup>۵</sup> در نظر گرفته شود. با وجودی که در اين برنامه، هنر به عنوان بخشی از برنامه درسی اصلی قلمداد شده اما اين نگرانی وجود دارد که ايالت ها توجه به دروس اصلی نظير خواندن، رياضيات و علوم داشته باشند و به ديگر حوزه های برنامه درسی آسیب وارد شود. کدام شواهد نشان می دهد که برنامه مذکور موجب کنار رفتن هنر در مدارس شد؟

1 . Taggart et, al

2 . No Child Left Behind in Art Education Policy

3 . Elementary and Secondary Education Act (ESEA)

4 . Grey

5 . Extra Curriculum

گزارش مرکز سیاست آموزش و پرورش<sup>۱</sup> نشان می دهد که از زمان اجرای این برنامه، ۲۲٪ مدارس منطقه ای، زمان آموزش درس هنر و موسیقی را کاهش دادند. نتایج یک بررسی ملی نشان می دهد که به موضوعات درسی فاقد آزمون نهایی توجه کمتری می شود و این موضوعات نادیده گرفته می شوند و تمایلی به توسعه این موضوعات نشان داده نمی شود و افراد آن قدر مشغول موضوعات درسی آزمون گرفتاری اساسی هستند که تأکید بر توجه به هنر، بهداشت و تربیت بدنی<sup>۲</sup> نمی شود. گزارش دیگر همان مرکز نشان داد که ۷۱٪ مدارس کشور، زمان آموزش درس تاریخ، هنر و موسیقی را به نفع درس خواندن و ریاضیات کاهش دادند. بسیاری از مدارس ابتدایی برنامه هنر را تنها به مدت ۹ هفته در سال ارائه می کنند. بودجه بندی و منابع آموزشی هنر نیز در راستای اجرای برنامه ی مذکور کاهش پیدا کرد. دیگر اینکه چه نوع آموزش و پرورش برای کودکان می خواهیم؟ چاپمن<sup>۳</sup> (۲۰۰۵) می گوید: «لازم است سیاست هایی که موجب آسیب رساندن و خدشه دار کردن هنر می شوند، صریحاً شناسایی و گزارش شوند و از آنها جلوگیری بعمل آید». وینر و هتلند<sup>۴</sup> (۲۰۰۰) معتقدند که متخصصان و مربیان هرگز نباید اجازه دهند هنر به عنوان حوزه ای کلی و یا کمکی به دروس دیگر مثل ریاضیات و خواندن تلقی شود. بلکه باید این گونه نگریست که هنر چه چیزی را می تواند آموزش دهد که سایر موضوعات درسی نمی توانند؟ در مجموع نقش برنامه ی مذکور بر کلاس ها و موضوع های درسی قابل آزمون و پایه به قیمت هزینه کردن هنر تمام می شود. در صورتی که آموزش هنر یک حوزه مصرف کردنی و دوراندختنی نیست و نباید اینگونه معرفی شود (گری، ۲۰۱۰).

### توصیه های آموزشی مناسب

یکی از مسائلی که باید به جامعه بشری برگردد این است که هنرها، پدیده بیرونی و جزئی نیستند، مصرف شدنی نیستند و فوق برنامه هم نیستند. به عبارت دیگر، توجه به هنرها از زمان آغاز برنامه ی NCLB بیشتر شده اما برای تضمین تداوم این راه، شرایط کافی در قانون وجود ندارد. در وضعیت حاضر آموزش هنر در سطوح ملی، ایالتی و محلی ضرورتی فوری احساس می شود که لازم است توصیه های ارائه شده برای بازنگری در برنامه ی NCLB مرور و اعمال شود (فهر<sup>۵</sup>، ۲۰۰۹). مرکز مطالعاتی «جنش ملی تعلیم و تربیت»<sup>۶</sup> که بر ایجاد «نوآوری به منظور توسعه آموزش هنر در نظام آموزشی» ایالات متحده تمرکز دارد، در زمینه ایجاد نوآوری ها پیشنهادهایی را ارائه می کند و بر این عقیده است که به کارگیری چنین توصیه هایی به بهبود وضعیت تربیت هنری کمک می کند (گری، ۲۰۱۰):

- در نظر گرفتن هنر به عنوان «فعالیت های خلاق و تولیدی نظیر تئاتر، هنرهای بصری، حرکات موزون، موسیقی.
- آموزش هنر توسط متخصصان هنر و با هدف «تسهیل تفکر واگرا در برنامه های درسی مدارس».
- تدریس هنر به صورت تلفیقی توسط معلمان موضوعات درسی قبل از دوره پیش دبستان تا دبیرستان<sup>۷</sup>.
- اختصاص ۹۰ دقیقه در هفته آموزش هنر به کودکان توسط متخصصان رشته های هنری مختلف.
- آموزش تمام رشته های هنری به کودکان در مدارس دولتی.

1 . The Center for Education Policy

2 . Physical Education (PE)

3 .Chapman

4 . Winner and Hetland

5 . Fehr

6 . The National Education Force (NET)

7 . K- 12 (Kindergarten)

- تأکید برنامه درسی هنر بر انواع هنرهای ساخته شده توسط هنرمندانی که معرف نژادها، فرهنگ ها، مذاهب، جنسیت های مختلف و گروه های اقلیت در کنار هنرمندان یک جامعه است.

- برقراری ارتباط مستمر مدارس با موزه ها، مراکز هنری، بخش های کار عملی و سایر برنامه های هنری.

- تأکید بر آموزش نقادانه به کودکان از طریق آموزش رسانه های جمعی و فرهنگ عامه در کنار توجه به دستاوردهای هنری

- آموزش هنر شامل ارزیابی عدالت اجتماعی و پرسش های اخلاقی از سراسر تاریخ هنر و فرهنگ های جهان به منظور «ایجاد ارتباط شهروندی و تحقق شهروندی اخلاقی».

انجمن ملی مجمع ایالتی آموزش و پرورش<sup>۱</sup> نیز یک گروه پژوهشی درباره برنامه درسی مغفول<sup>۲</sup> را به منظور مطالعه در زمینه برنامه درسی هنر در ایالات متحده تشکیل داد. هدف این گروه ارزیابی برنامه درسی موجود به ویژه هنر و زبان های خارجی بود. این گروه چندین یافته مهم را مطرح کرد (گری، ۲۰۱۰): اول، پژوهش های زیادی مزایای قرار دادن هنر و زبان های خارجی در برنامه درسی را تأیید می کنند. دوم، با وجودی که گروه مطالعاتی دریافت که هنر و زبان های خارجی لزوماً «مغفول» نیستند اما این موضوعات درسی به حاشیه رانده شده اند و خطر آن وجود دارد که در بین برنامه درسی اصلی به موضوعی مغفول تبدیل شوند (می پر، ۲۰۰۴).

### توصیه هایی برای برنامه درسی ایران

آموزش و پرورش جهانی با کیفیت مطلوب، یک ضرورت است. چنین تعلیم و تربیتی تنها در صورتی می تواند از کیفیت مطلوب برخوردار باشد که بر اساس تربیت هنری، بینش ها و دیدگاه ها، خلاقیت و نوآوری، تفکر انتقادی و توانایی های حرفه ای لازم برای زندگی در قرن جدید، ارتقاء یابد. از جمله مسائل برنامه درسی هنر در نظام آموزشی ایران کمبود زمان اختصاص یافته به هنر و بی مهری و غفلت از این درس در مدارس است. همچنین مواد و منابع آموزشی مناسب برای آموزش هنر در اختیار معلمان قرار ندارد. از سوی دیگر معلمان آموزش های کافی در زمینه تاریخ هنری، نقد هنری و زیبایی شناسی را دریافت نکرده اند و فقط به تولید هنری آن هم در حوزه های نقاشی و کاردستی محدود هستند (کیان و مهرمحمدی، ۱۳۹۲). توجه مدارس به موضوعات درسی اصلی موجب شده موضوعات خارج از برنامه درسی هسته ای، نادیده گرفته شوند. زمان بندی سخت و قاطع برای دروسی مانند خواندن و ریاضیات، زمان کمتری را برای آموزش هنر باقی می گذارد و فشار وجود جداول عملکردی برای مدرسه موجب تحمیل فشار بر درس هنر می شود. از این رو بر اساس رویکرد حاضر می توان برای نظام آموزشی ایران اشاره کرد که در برنامه درسی فعلی هنر از نظر زمان اختصاص یافته به هنر تجدید نظر اساسی صورت پذیرد و زمان کافی با توجه به حوزه های محتوایی مختلف به درس هنر اختصاص یابد. همچنین دایر کردن یک مرکز یادگیری هنر در هر مدرسه به صورت کارگاه هنر نیز مورد توجه قرار گیرد و مکانی اختصاصی با امکانات ضروری درس هنر و دسترسی به منابع و فضای آموزشی متنوع و ویژه هنر می توان بر تقویت بکارگیری پیامدهای تربیت هنری در مدارس ایران مفید واقع شود.

به منظور کاربرد رویکرد حاضر برای برنامه درسی هنر در ایران پیشنهادهایی برای سیاست گذاران و دست اندرکاران تدوین و برنامه ریزان درسی ارائه می شود تا هنر به عنوان برنامه درسی مغفول مطرح نباشد و به عنوان بخش جدانشدنی برنامه درسی هسته ای باید مورد توجه قرار گیرند. این پیشنهادها عبارت هستند از:

<sup>1</sup> . The National Association of State Boards

<sup>2</sup> . Study Group on the Lost Curriculum

<sup>3</sup> . Meyer

- تعیین مدارج علمی و شغلی با کیفیت برای معلمان و مدرسان عرصه ی هنر.
- تنظیم زمان کافی برای رشد تخصصی با کیفیت بالا برای معلمان در حوزه ی هنر.
- به کارگیری متخصصین کافی در سازمان آموزش و پرورش در زمینه ی تخصص هنر.
- توجه به هنر در برنامه درسی دوره های تربیت معلم برای تمام دانشجو- معلمان نه فقط معلمان درس هنر.
- در نظر گرفتن مدارج فارغ التحصیلی برای هنر با افزایش تعداد واحدهای لازم به منظور فارغ التحصیلی در زمینه آموزش هنر.
- ترغیب مؤسسه های آموزش عالی به افزایش استانداردهای پذیرش دانشجویان در رشته هنر و توجه به دروس هنری به هنگام محاسبه معدل نمرات دوره متوسطه.
- جهت دادن به یادگیری هنر در دوره خردسالی به سمت تدوین استاندارد و چارچوب برنامه درسی و تشویق مدارس به تلفیق هنر در آموزش دوره ابتدایی.
- حمایت از شرکت های منتشرکننده کتاب درسی جهت تولید مستمر برنامه درسی هنر.
- تحول کلیه موضوعات درسی اصلی از جمله هنر.
- افزایش میزان اجرای سنجش های ملی در برنامه درسی هنر.
- ترغیب قانون گذاران برای توجه بیشتر به آموزش هنر و برنامه های مرتبط با آن.
- بنابراین بر اساس تجارب و دستاوردهای مختلف آموزشی در زمینه آموزش هنر می توان استنباط کرد که آموزش هنر در سراسر دنیا و در نظام های آموزشی مختلف جهان، به عنوان یک برنامه ارزشمند و دارای جنبه های مختلف و پیامدهای مثبت بسیار زیاد، مورد توجه برنامه ریزان، طراحان، سیاست گذاران و تصمیم گیرندگان نظام های آموزشی است و برای دستیابی به جایگاهی خاص برای هنر، تلاش های بسیاری انجام شده است. از این رو می توان اذعان داشت که ضروری است آموزش هنر در حوزه مطالعات برنامه درسی کشور ما نیز به جایگاهی که شایسته آن است، دست یابد و بتوانیم اهداف و آرمان های متعالی را از طریق آموزش هنر به ثمر رسانیم.

## منابع

- کیان، مرجان؛ مهرمحمدی، محمود (۱۳۹۲). شناسایی وجوه و ابعاد مغفول برنامه درسی هنر دوره ابتدایی. فصلنامه پژوهش های آموزش و یادگیری، سال بیستم، دوره جدید، شماره ۳، صص ۱۸-۱.
- Chapman, L. H. (2004). *Status of Elementary Art Education: 1997-2004*. Studies in Art Education 46 (2): 18-37.
- Eisner, Elliot. (2002). *The Art and the creation of Mind*, Yale University Press.
- Fehr, D. (2009). *The National Education Task Force and No Child Left Behind*. NAEA News 51(1): 1-24.
- Grey, Anne C. (2010). *No Child Left Behind in Art Education Policy: A Review of Key Recommendations for Arts Language Revisions*. Arts Education Policy Review, 111: 8-15.
- Meyer, L. (2004). *The Complete Curriculum: Ensuring a Place for the Arts a Foreign Languages in America's Schools*. Arts Education Policy Review 106 (3): 35- 39.
- Robinson, Ken. (2000). *Arts Education's Place in a Knowledge-Based Global Economy*; Available at Learning and Arts: Crossing Boundaries/Proceedings From an Invitational Meeting for Education, Arts and Youth Funders Held January, Los Angeles.
- Taggart, Geoff; Whit by, Karen; Sharp Caroline. (2004). *International Review of Curriculum and Assessment Frameworks*. National Foundation for Educational Research (NFER).

- The World Conference on Arts Education. (2006). *Road Map for Arts Education: Building Creative Capacities for 21<sup>st</sup> Century*, Lisbon, 6-9 March.
- Winner, Ellen and Hetland Lois (2000). *The Arts and Academic Achievement: What the Evidence Shows*. Journal of Aesthetic Education. Volume 34 (3/4).

